

# دانشنامه جهان اسلام

ح

---

خرانی، حماد - حلبی

(۱۳)



زیر نظر

غلامعلی صدرا و عادل

مادامی  
حسن طارمی راد

---

تهران ۱۳۸۸

عبدحمید، بیروت: دارالمعرفة، [برن:]، محمدبن احمد خوارزمی، کتاب مفاتیح العلوم، چاپ فان فلونن، لندن ۱۸۹۵، چاپ اوست ۱۹۶۸؛ عبدالله سلوم سامران، العلو و الفرق الثغالیة فی الحضارة الاسلامیة، [واسط، عرق] دارواسط، [برن:]، وده قاصی، الکبایة فی التاریخ و الأدب، بیروت ۱۹۷۴؛ نعمان بن محمد قاضی نعمان، الأرجوزة المختارة، چاپ اسماعیل قریان حسین یونوالا، مونترال ۱۹۷۰؛ مسائل الامامة و هو الکتاب الاول من کتاب فی اصول النحل التي اختلف فيها الصلاة، [منسوب به] ناشن اکثر، چاپ یورف فان اس، بیروت: والنشر فرانسی شتابر، ۱۹۷۱؛ نسوان بن سید حمیری، المحورالعین، چاپ کمال مصغری، چاپ قمست تهران ۱۹۷۲.

EP<sup>2</sup>, s.v. "Kaysāniyya" (by W. Madefung); Bernard Lewis, *The origins of Ismā'īlism*, Cambridge 1940.

مریم کیانی فرید /

### حَرَج ← عَسْر و حَرَج؛ لاحتِج، قاعده

**حَرَج**، باره‌ای از آیات، اذکار، اوراد و ادعیه مأثوری که برای حفظ جان و مال از آسیبها می‌خوانند یا به صورت مکتوب با خود حمل می‌کرده‌اند. حَرَج (جمع آن آخراز) در لغت به جایی می‌گویند که چنان محصور و محکم باشد که اگر کسی بدان وارد شود از گزندها و خطرها مصون بماند (خلیل بن احمد: جوهری؛ ابن منظور: زبیدی، ذیل واژه) و در اصطلاح، مشابه با تعویذ و عَوْدَه (به جوهری؛ ابن منظور: زبیدی، همانجاها) یا قسمی از آن است که با ادب شرع موافق باشد. بنابه گفته زمخشری (ذیل واژه)، کاربرد حَرَج در معنای اصطلاحی از باب مُجَاز است (نیز به زبیدی، همانجا).

در ساره تفاوت حَرَج و تعویذ\* و دعا\* باید گفت اینها مفاهیمی متداخل‌اند و مرز آنها با یکدیگر چندان مشخص نیست. در برخی از کتابهای حدیث حَرَجها و تعویذها در یک باب و یک ردیف جمع شده‌اند (برای نمونه به کلیبی، ج ۲، ص ۵۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۹۳-۴۰۶). شماری از حَرَجها نیز دبل عنوان عَوْدَات الائمة علیهم السلام للحفظه (تعویذهای امامان برای حفظ خود از آسیبها) فراهم آمده‌اند (برای نمونه به مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۹۲). ابن طائوس دعای منسوب به امام جواد علیه السلام را که گویند برای مصون ماندن از آسیبها برای مأمون نوشت. در *سُهب الدعوات* (ص ۵۹-۵۲) «حرره» و در الامان (ص ۷۴) عَوْدَه نامیده است. از مقایسه متون حَرَجها و تعویذها نیز به تفاوتی نمی‌توان دست یافت. به همین سبب، در ادبیات محدثان و اهل دعا، حَرَج و تعویذ و تحَرَج و عَوْدَه غالباً در یک سیاق و به یک معنا به کار رفته‌اند (برای نمونه به برفی، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن طائوس،

عبدالله بن عمرو نافی خواهد ماند (به سعد بن عبدالله اشعری، ص ۲۶؛ بغدادی، ص ۴۱، ۲۶۲).

از دیگر عقاید آنان اعتقاد به وجود چهار سبط برای پیامبر بود که عبارت‌اند از حضرت علی و سه فرزند ایشان: امام حسن و امام حسین و محمد بن حنفیه. آنان معتقد بودند محمد بن حنفیه زنده است و در غیبت به سر می‌برد و نظام اسباب و سلسله علتها در دست اوست (به سعد بن عبدالله اشعری، ص ۲۸). پیروان عبدالله بن عمرو آیات اول تا سوم سوره تین را تأویل می‌کردند به اینکه تین علی، زینون حسن، صُور حسین و بلد امین کتابه از محمد بن حنفیه است که از سرزمین امن خارج خواهد شد و با یارانش که به عدد اصحاب بدر، ۳۱۳ تن هستند به مازنه با مستمگران بر خواهد خاست (به همان، ص ۳۱، ۳۰).

گفته شده است که عبدالله بن عمرو بن حرب در شبانه روز پانزده نماز، که هر کدام هفده رکعت بود، بر پیروانش واجب کرده بود؛ اما، هیچ‌یک از آنان نماز نمی‌خواندند (همان، ص ۲۷؛ فس ابن حزم، ج ۵، ص ۵۰، که گفته است حربه در شبانه روز نوزده نوبت نماز پانزده رکعتی داشته‌اند)، زیرا همچون بسیاری از فرقه‌های غالی معتقد بودند که معرفت امام در سعادت فرد کافی است و کسی که به درجه بالایی از معرفت رسیده باشد، انجام دادن واجبات و ترک محرمات از گردن وی ساقط می‌شود (به سعد بن عبدالله اشعری، ص ۳۹؛ قاضی، ص ۲۵۵) از همین رو، آنان بسیاری از محرمات را برای خود مباح می‌دانستند (به قاضی نعمان، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ قاضی، ص ۲۵۴-۲۵۵).

نقل شده است که ابن حرب، پس از مناظره با یکی از متکلمان خوارج *صُغرته\**، از عقاید سابق خود توبه کرد و به عقیده صُغرته درآمد و بر همان مذهب از دنیا رفت. برخی این امر را عاملی اصلی روگردانی پیروانش دانسته‌اند (برای نمونه به ابن حزم، همانجا؛ قاضی، ص ۲۵۷)؛ اما بنابر سایر منابع، چنان‌که گذشت، عامل جدایی اصحاب ابن حرب از وی، آشکار شدن دروغین بودن ادعایش بوده است.

منابع: ابن حزم، *المصل فی الملل و الأهل و النحل*، چاپ محمد بن هبیم نصر و عبدالرحمان عمیر، بیروت ۱۹۸۵/۲۰۰۵؛ محمد بن عبدالله ابوالمعالی، *کتاب بیان الأدیان*، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران [؟ ۱۳۱۲ ش]؛ شهفور بن طاهر سمرقینی، *التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرق الممالکین*، چاپ محمدزاهد کونری، بیروت ۱۹۸۸/۲۰۰۸؛ سعد بن عبدالله اشعری، *کتاب العقالات و الفرق*، چاپ محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش؛ علربن اسماعیل اشعری، *کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، چاپ همنوت رینر، ویپدن ۱۹۸۰/۱۹۴۰؛ عباس اقبال آشتیانی، *خاندان بوخی*، تهران ۱۳۱۱ ش؛ عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، *الفرق بین الفرق*، چاپ محمد محیر الدین

۱۴۱۴-۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۷۵). شاید بتوان گفت تعویذ تنها خواندنیها و نوشتنیها (از قبیل اسم اعظم یا اذکار و ادعیه) است، اما حرز افزون بر اینها شامل اشیا هم می‌گردد.

واژه حرز و مشتقات آن در قرآن کریم نیامده، اما در احادیث شیعه و سنی و ادعیه مأثور این واژه فراوان به کار رفته است (برای نمونه - کلینی، ج ۱، ص ۲۸۱، ج ۲، ص ۲۲۱، ۵۱۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۲؛ طوسی، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۳، ص ۹۷، همو، ۱۴۱۱، ص ۱۵۱، ۵۷۴؛ ابن حنبل، ج ۴، ص ۶۰؛ ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۷۷). شماری از این حدیثها، از جمله حدیث انس بن مالک (سه متقی، ج ۲، ص ۶۶۶-۶۶۷) و حدیث منقول از علی بن ابی طالب (سیوطی، ذیل اسراء: ۲۵؛ متقی، ج ۲، ص ۶۶۶)، حاکی از کاربرد حرز، به معنای مصطلح، در صدر اسلام است به این معنا که پیامبر، امامان و برخی از صحابه و تابعان و اتباع ایشان برای حفظ خود یا دیگران از گزندها و آسیبها حرز به کار می‌برده و نتیجه مطلوب را نیز به دست می‌آورده‌اند.

استعمال حرز برای مصونیت از آزار شیاطین و جنیان و نوشتن یا املا کردن حرز برای شفای بیماران، نزد صوفیان نیز متداول بوده است، چنانکه ابوسعید ابوالخیر یک رباعی سروده و بر آن شرحهایی به نام «حورائیه» نوشته شده است (محمّدین منور، بخش ۱، مقدمه شفیع کدکنی، ص صدونوزده). این رباعی حرزی بوده که ابوسعید برای شفای استاد خود، که در بستر افتاده بوده، املا کرده است (سه محمدین منور، بخش ۱، ص ۲۷۴). ابن عربی (ص ۲۶۴) نیز حرزی را به سلیمان بن داود نبی نسبت داده است. با این حال حرز در فرهنگ شیعی از فرهنگ سایر مسلمانان متداول‌تر بوده است. وجود انبوهی از حرزها و عودها و دعاها و دعاها، که در کتب ادعیه و حدیث امامیه ثبت شده، شاهد این مدعاست (برای نمونه - ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۱۴-۱۶، ۱۳۷-۱۵۳، ۲۰۸-۲۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۰۸-۲۰۶، ج ۹۲، ص ۲۷۹-۲۰۹). از واژه حرز در شعر فارسی هم استفاده شده است (برای نمونه - انوری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ خاقانی، ص ۱۷).

حرزها از نظر کوناه و بلندی باهم تفاوت دارند. برخی، مانند حرزی به نام «حرز خدیجه»، از چند کلمه تجاوز نمی‌کنند (سه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۲۱۰، ۲۲۴)، اما برخی مرکب از چند سطر و بعضی نیز چون حرز منسوب به امام سجاد علیه‌السلام (سه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۸-۲۳) و حرز منسوب به امام صادق علیه‌السلام (سه همان، ص ۳۸-۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۷۳-۲۷۹) مفصل و طولانی‌اند.

درونمایه حرزها نیز باهم متفاوت‌اند. برخی حرزها آیاتی از

قرآن‌اند، مانند آیه الکرسی و آیه «وَإِنْ يَكَادُ الْعَبَسُ بِكَ وَرَأَيْتَ حَرْزَهُ خَوَانِدَه‌اند (سه ابن‌نجار، ج ۱۸، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ نیز سه الفقه المنسوب للامام الرضا علیه‌السلام، ص ۴۰۰؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۱۲۵)، زیرا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منقول است که هرکس ۳۳ آیه از قرآن را در شب بخواند، در آن شب دزد یا درنده‌ای بسه وی آسیب نمی‌رساند و خود و خانواده‌اش و اموالش نا صبح در امان و عافیت خواهند بود (سه سیوطی، ذیل بقره: ۳). امام جعفر صادق نیز آیاتی از قرآن را حرز فرزندش موسی علیه‌السلام قرار داده بود و آن حضرت نیز آنها را می‌خواند و خود را بدان تعویذ می‌کرد (سه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۴۹-۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۳۹). شماری از حرزها نیز اذکار متداول در میان مسلمانان‌اند، از قبیل تهلیل و تسمیح و تحمید (برای نمونه - بقری، ج ۱، ص ۳۱؛ ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۵؛ کلینی، ج ۲، ص ۵۱۹). حرزهایی هم که مستقیماً از قرآن اقتباس نشده‌اند، غالباً دارای مدلولی روشن و همسو با قرآن و حاوی مضامین بلند توحیدی و مشتمل بر توکل بر خدا و تکیه بر قدرت لایزال الهی و پرهیز از پناه جستن به شیاطین و جنیان و ارواح‌اند. شمار اندکی از حرزها مشتمل بر حروف و کلمات و عبارات مرموز و نامأنوس‌اند و در نتیجه مدلول آنها ناشناخته است (برای نمونه سه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۹۳، ۲۲۸). افزون بر آنچه گفته شد، در احادیث کارهایی نیز حرز معرفی شده است، از جمله همراه داشتن تربت امام حسین علیه‌السلام به ویژه در سفر (سه قولویه، ص ۴۷۳-۴۷۴؛ طوسی، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۶، ص ۷۴-۷۵؛ حرز عاملی، ج ۱۱، ص ۴۲۷-۴۲۸)، تسهین یا روغن درختیان (سه بسطام، ص ۹۶)، همراه داشتن عصایی از درخت بادام تلخ در سفر (سه ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۰)، حک کردن برخی اذکار بر نگین انگشتری (همو، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰)، در دست کردن خانم عقیق (کلینی، ج ۶، ص ۴۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۹) و به همراه داشتن انگشتری با نگین عقیق زرد (سه ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۴۸).

کثرت حرزها نیز چشمگیر است. به پیامبر و همسرش خدیجه و دخترش فاطمه زهرا و هر یک از امامان معصوم حرزهایی منسوب است (برای نمونه سه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۱۴-۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۰۸-۲۰۶). نامدارترین حرزها عبارت‌اند از: حرز ابی‌ذحّانه انصاری برای دفع جن و سحر، این حرز که راویان اهل سنت آن را نقل کرده‌اند (برای نمونه سه ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۶۸؛ فتنی، ص ۲۱۱) در سده‌های اخیر به مجموعه‌های حدیثی شیعه نیز راه یافته است (سه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۲۰-۲۲۴). اما حدیث‌شناسان اهل سنت متفقاً این حدیث را بر ساخته ارزیابی کرده و موسی

عنه السلام نقل شده و گفته شده است که امام وقت آن را خواند که او را در کودالی پیش درندگان انداخته بودند (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۳۱-۳۲۷)، اما همان حرز و سبب ورود آن، به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هم نسبت داده شده است (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۵۴-۳۴۹) ولی نسبت این روایت به امام رضا علیه السلام یا واقعیات تاریخی تطبیق نمی‌کند زیرا موسی بن جعفر علیه السلام در حبس هارون بوده است نه فرزندش علی بن موسی (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۹۹). حرزهایی هم وجود دارد که نه تنها فاقد اسنادند، بلکه به هیچ یک از پیشوایان معصوم علیهم السلام منسوب نیستند. این قبیل حرزها صرفاً به خط یکی از عالمان دینی‌اند و در بخش ادعیه جوامع حدیثی چون بحارالانوار (برای نمونه) ج ۹۱، ص ۳۶۶-۳۷۱) و احیاناً در دیگر کتابهای ادعیه به ثبت رسیده‌اند؛ بنابراین، اعتماد بر اغلب این حرزها از باب عمل به قاعده «تسامح در ادکة سنن» و عمل به مضمون «اخبارٌ من بلغ» خواهد بود (در این باره) تسامح در ادکة سنن؛ نیز مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۱۲-۱۱۹).

درباره جواز و عدم جواز آویختن حرز، از روایات منقول از پیشوایان معصوم مستفاد می‌شود که آویختن چیزهایی که در آن قرآن یا ذکر خدا باشد و از آنها بوی شرک به مشام نرسد مباح است (حمیری، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۶۰۴؛ قس جوهری، ذیل «نیم»؛ بنابراین، اینکه سنت آویختن حرز از رسوم جاهلیت و در نتیجه حرام دانسته شده (عنه مبارکفوری، ج ۹، ص ۳۵۶)، فاعداً ناظر به رفتارهایی شبیه به آویختن نعیمه و امثال آن است (عنه تعویذ\*).

به جز حرزها، آیات و ادعیه و اذکاری نیز در کتابهای حدیث و ادعیه آمده است که آنها را «حُجَب» (جمع حجاب) یا «ادعیه حُجَب» یا «أحجیه» و «احتجابات» خوانده‌اند (برای نمونه) ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۳۵۴-۳۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۷۲-۴۰۶). این عناوین از آیات ۴۵ و ۴۶ سوره اسراء و نیز از متون برخی از همین ادعیه گرفته شده‌اند. این حجابها دقیقاً کارکرد حرز را دارند و از این رو، به خواندن آنها، هنگامی که بیم خطری برود، سفارش شده است (برای نمونه) ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۶۱، ۳۵۴-۳۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۷۲-۴۰۶).

منابع: آقابزرگ طهرانی: ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم ۱۳۶۸، ص ۱۳۶؛ عبیدون الاخبار الرضا، چاپ مهدی لاجوردی، قم ۱۳۶۳، ص ۱۳۶؛ عبیدون، کتاب النخال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲، ص ۱۳۶؛ عبیدون، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴؛ ابن سنی (حسین سنی) و ابن سنی (عبدالله سنی)، طب الائمة

انصاری، راوی حدیث مزبور، را صحابی ساختگی معرفی کرده‌اند (عنه ابن جوزی، همانجا؛ ذهبی، ج ۴، ص ۴۲۹؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۶، ص ۳۰۵).

حرز یمانی، مشهور به دعای شیعی، یکی از حرزهای منسوب به علی بن ابی طالب علیه السلام است. این حرز، که از آن با عنوان «دعای یمانی» هم یاد شده (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۱۲۷)، با اسانید و متون متفاوت روایت شده است (عنه همان، ص ۱۳۷-۱۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۲۴۰-۲۵۹). بر این حرز، که نام آن همواره بر زبان ایرانیان به ویژه شاعران فارسی‌گو جاری بوده است (برای نمونه) حافظ، ص ۵۹)، شرحهایی هم نگاشته‌اند. در این شرحها شارحان درباره مقدمات و آداب به کار بستن دعای مزبور و سند و متن آن سخن گفته‌اند (عنه آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۱۹۰، ج ۱۲، ص ۲۳۵، ج ۱۶، ص ۳۰۳).

«رُزِقَةُ الْجَنِّبِ» نیز حرزی منسوب به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است، که چون کثیرک حُفَیدین تحطبه به هنگام شستن جامه امام آن را در جیب وی یافته، به این نام خوانده شده است (عنه بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۴۹). حرز دیگری هم با همین عنوان به امام رضا علیه السلام منسوب است (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۹۴). به همراه داشتن حرز جواد، منسوب به امام محمدتقی علیه السلام، نیز در میان شیعیان و ایرانیان چندان متداول بوده که «حرز جواد کسی بودن» و «حرز جواد خود کردن»، به معنای «پیوسته با او بودن» و «همیشه کسی را همراه خود کردن»، مثل شده است (عنه دهخدا، ذیل «حرز جواد»). در کتب ادعیه و حدیث درباره این حرز، که گویند نخستین بار امام علیه السلام آن را برای مأمون عباسی نوشته، حکایت شگفت‌انگیزی نقل شده است (عنه ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۵۲-۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۳۵۲-۳۶۱). محمدبن حسنعلی شوشتری، یکی از عالمان سده دوازدهم و نواده عبدالله بن حسین تستری، نیز رساله‌ای به نام آداب حرز الجواد برای شاه سلطان حسین صفوی نوشته است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۱۷).

داوری درباره حرزها و درستی و نادرستی انتساب آنها به معصومان علیهم السلام، به بررسی دقیق حدیث‌شناختی یک‌یک آنها از حیث اتصال و انتطاع اسانید و وثاقت و عدم وثاقت راویان نیاز دارد. از پاره‌ای از احادیث متضمن حرزها، از نظر سند، انتقاد شده است (برای نمونه) مجلسی، ۱۳۶۳، ص ۱۲، ص ۴۳۶-۴۴۳؛ همو، ۱۴۰۶-۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۱۷). گفتنی است که گاهی یک حرز و سبب ورود آن، به دو امام نسبت داده شده است، مثلاً، حرزی از امام موسی بن جعفر

## حوز (در فقه) - سرقه

**حوزالدین، آل،** از خاندانهای علمی نجف در قرن دوازدهم تا چهاردهم. این خاندان به قبیله بنو مسلم (از قبایل فرات) منسوبند که نسب آن به شرفالدوله مسلم بن قریش عقیلی (از امرای موصل، متوفی ۲۷۸) می‌رسد. از اجداد، به مسیعی نیز شهرت دارند (سه آل محبوبه، ج ۲، ص ۱۶۴؛ آقازادگان طهرانی، ۱۳۰۳، ج ۱۸، ص ۲۶، ج ۲۰، ص ۳۳۰). سرسلسله این خاندان و جد اعلای آنان، محمود متقی به حوزالدین بود که برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت و در آنجا اقامت گزید. نواده او، عبداللّٰه حمدالله، نیز از عالمان دینی بود. شیخ عبدالله سه فرزند به نامهای هیکل، علی و محمد داشت (آل محبوبه، همانجا؛ خاقانی، ج ۱۰، ص ۱۵۰).

**۱) هیکل.** وی در منطقه صفلاویه، در اطراف بغداد، دارای نوعی ریاست محلی و صاحب املاک کشاورزی بود و سرسلسله امور مالی برادرش، شیخ علی، را نیز برعهده داشت. وی را شخصی از خاندان آل بَدْر، که از کارکنان او بود، به قتل رساند (حوزالدین، ج ۲، ص ۹۷-۹۸، پانویس ۲؛ آل محبوبه، همانجا).

**۲) علی.** وی در حدود ۱۱۸۲ در نجف به دنیا آمد. فقه و اصول را نزد موسی کاشف الغطاء، علی کاشف الغطاء و صاحب حواهر فراگرفت. او از نزدیکان و خاصان علی کاشف الغطاء، به شمار می‌رفت (حوزالدین، ج ۲، ص ۹۶-۹۸). علی حوزالدین در روز بیانه به حج رفت و در آنجا از محضر عالمان دیگر بیانه، از جمله علمای افریقا و مغرب عربی، و نیز از کشتی‌های مکه بهره برد. وی در طب یونانی، نجوم، هیئت و طلسمات بسیار تبحر داشت. او در ۱۲۷۷ وفات کرد و در مقبره آل حوزالدین، در وادی السلام نجف، به خاک سپرده شد. همان، ج ۲، ص ۹۷، ۱۰۰).

برخی از آثار و تألیفات او عبارت‌اند از: قواعدالطب (کتاب‌الطب) که فرزندش، محمد، بخشی از آن را شرح کرده است؛ کتاب الشمسین، در علوم طبیعی، که نگارش آن را در مکه به پایان برده است؛ کتاب الخاتمه، شامل سه رساله در علم طب؛ آنیس الزائرين، در ادعیه و زیارات؛ رساله‌هایی در نجوم، هیئت، طلسمات و ادعیه و کتابهایی در فقه و اصول که تحبیر تقریرات استادانش بوده است (همان، ج ۲، ص ۹۸-۹۹؛ آقازادگان طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۷۷). به گفته قسیردش محمد (ج ۲، ص ۹۹)، وی چند ماه قبل از وفات، سینه‌های خود در ساره علوم عربیه را، به سبب گرانی از سوء استفاده دیگران از آنها، در رودخانه انداخت. فرزندان او، عبدالحمید، حسن، احمد، کاظم و محمد بودند (همان، ج ۲، ص ۱۰۰).

الف) عبدالحمید، بزرگ‌ترین فرزند شیخ علی، در ۱۲۵۰ در

شبهه السلام، نجف [۱۲۸۵]، چاپ افتاب بیروت [سویا]، اس موی کتاب الموضوعات، چاپ عبدالرحمان محمد عثمان، منب ۱۳۹۶، ۱۳۸۸، ۱۹۶۶-۱۹۶۸، این حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ عادل احمد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، ۱۳۶۵/۱۹۹۵، سن حبل، مسد الامام احمد بن حنبل، بیروت؛ دارصادر، [بی‌تا]، ابن طلوس، اقیان الاعیان، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۳۶۹، ۱۴۱۶، همو، الامان من اخطار الاسفار و الارمان، قم، ۱۴۱۹، همو، مهج الدعوات و منهج العبادات، قدمه و علق علیه حیدر اعلمی، بیروت، ۱۳۶۲/۱۹۹۲، ابن عربی، العباده، ولبه ساعة الخیر، چاپ عباس ابراهیم نبالی، بیروت، ۲۰۰۶/۱۳۲۵، سن قولویه، کامل الوبیات، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۳۱۷، سن ماچه، سنن ابن ماجه، چاپ محمد مؤذع عبدالسافی، [دوره ۱۳۷۳/۱۹۵۲]، چاپ مست [بیروت، سرتا]، ابن مطهر، انبهار، تالیف تاریخ بغداد، در احمد سر علی حطاب حدادی، تاریخ بغداد، نو، مدیه اسلام، چاپ مصطفی عبدالقادر عطش، ج ۱، ص ۲۰-۲۱، بیروت، ۱۳۹۷/۱۹۷۷، محمد بن محمد (علی) انوری، دیوان، چاپ محمدتقی عازر و رضوی، تهران، ۱۳۶۶، سن احمد بن محمد ترفی، کتاب المعانی، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم [؟ ۱۳۳۱ ش]، محمد بن موسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، چاپ عبدالرحمان محمد عثمان، بیروت، ۱۹۸۲/۱۴۰۳، اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت [بی‌تا]، چاپ افتاب تهران، ۱۳۶۸ ش؛ شعری المین محمد حافظ، دیوان، چاپ محمد قزوینی و قاسم عتی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ حوز ساطی؛ عبداللّٰه بن جعفر حسود، فریب الاسناد، قم، ۱۳۱۳، بیلین علی خاقانی، دیوان، چاپ فیضان‌الدین سعادی، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مبرومی و ابراهیم سامرانی، قم، ۱۹۰۵، دهخدا؛ محمد بن احمد، همو، میزان الاعتدال فی مقدار الرجال، چاپ عتی محمد معزوی، دهره ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، چاپ فست بیروت [بی‌تا]، محمد بن محمد بن بیدی، تاج العربی، ص حواهر القاموس، چاپ علی شیری، بیروت، ۱۳۱۲، ۱۹۹۱، محمود بن عمرو محشری، اساس النبلاغة، بیروت، ۱۳۸۵، ۱۹۶۵، سیوطی، معجمین حسن طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی سرشار، نجف، ۱۳۷۸، ۱۳۸۲، همو، مصباح المتجهج، بیروت، ۱۳۱۱، ۱۹۹۱، محمد طاهر بن عتی، تذکره الموضوعات، [قاهره، ۱۳۴۳]، ۱۹۱۲، الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام، و المشتهر بفقه الرضا، مشهور مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۶، کلینی؛ محمد عبدالرحمان سرقه‌نوری، تحفة الاحوذی شرح جامع الترمذی، بیروت، ۱۳۱۰، ۱۹۹۰، علی بن حسام‌الدین منفی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الامثال، جناب بکری حیاتی و صفوة سفا، بیروت، ۱۹۸۹، ۱۹۰۹، محمد دترم، محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت، ۱۳۰۳/۱۹۸۳، همو، میزان العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۸، چاپ عباس رسولی، ج ۲، چاپ جعفر حسینی، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ همو، ملاذ الاحبار فی تهذیب تهذیب الاحبار، چاپ مهدی و عتی، قم، ۱۳۰۶، ۱۳۰۶، محمد بن موسی الترمذی، معجمات الشیخ ابی سعید، چاپ محسن‌ها سعید کلینی، تهران، ۱۳۶۰ ش

ب) سید کاظم طباطبائی